

آفات زبان

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صمدی یزدی *

قال رسول الله ﷺ: «وَلَا يَعْرِفُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ».^۱

مقدمه

نعمت‌هایی که خداوند در اختیار بشر قرار داده است، قابل شمارش نیست؛ «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا»^۲ اگر نعمت‌های خدا را بشمارید هرگز آنها را شماره نتوانید کرد. برخی از این نعمت‌ها فردی است، برخی اجتماعی و گروهی؛ برخی مادی است و گروهی نیز معنوی. زبان، یکی از مهم‌ترین و کاراترین نعمت‌های خداوند است. بیان، نعمتی است که خداوند پس از نعمت خلقت، آن را از نشانه‌های خود ذکر کرده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ».^۳ یکی از نشانه‌های عظمت پروردگار است و تمام علوم به وسیله زبان و بیان از نسل‌های گذشته به نسل امروز منتقل شده است. با یک محاسبه ساده معلوم می‌شود که اگر زبان نبود، این

* از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۴.

۲. ابراهیم، آیه ۳۴.

۳. الرحمن، آیه ۳ و ۴.

ترقی و پیشرفتی که بشر امروز از نظر صنعت، اختراعات و اکتشافات کرده است حاصل نمی‌شد چون زبان وسیله‌ای ارتباطی و ابزار انتقال تفکر و اندیشه است. هم‌چنین در امرِ تعلیم و تربیت که مهم‌ترین مسئله زندگی بشر است نیز، زبان نقش مؤثری ایفا می‌کند:

نقش زبان در جلب حسنات

- زبان در جلب حسنات و کسب ثواب‌ها بی‌نظیر است:
- اقرار به توحید و وحدانیت خدا و امور اعتقادی از زبان صادر می‌شود.
- قسمت عمده نماز، اذکار است که زبان آن را بر عهده دارد.
- تلاوت قرآن را زبان انجام می‌دهد
- دعاهایی که حضرات معصومین علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند، و ثواب‌های فراوانی که برای خواندن آنها مترتب است را زبان، قرائت می‌کند.
- اذکار و اوراد و از جمله ذکر صلوات بر محمد و آل محمد صلوات‌الله‌علیهم‌وآل‌ه‌وآل‌ه‌وسلم کار زبان است.
- امر به معروف و نهی از منکر که دو فریضه از فرائض مهم دینی است بر عهده زبان گذاشته شده است.
- اصلاح ذات‌البین که مورد توصیه و تأکید مکتب اسلام است، از زبان ساخته است.
- شهادت به حق، مربوط به زبان است.
- بخش عمده‌ای از تعلیم و تربیت را زبان عهده‌دار است.
- انتقال علوم و تبادل دانش و تجربیات به زبان مرتبط می‌شود.
- اندرزها، پندها و مواعظ را زبان به افراد می‌دهد.
- تبیین معارف دین و کلمات حکیمانه معصومین علیهم‌السلام توسط زبان صورت می‌گیرد.

کارکرد زبان

علی علیه‌السلام در حدیثی بسیار جالب برخی از کارایی‌های زبان را این‌چنین ذکر می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ فِي الْإِنْسَانِ عَشْرُ خِصَالٍ يُظَهِّرُهَا لِسَانُهُ شَاهِدٌ يُخْبِرُ عَنِ الضَّمِيرِ حَاكِمٌ يَفْصِلُ بَيْنَ الْخِطَابِ وَ نَاطِقٌ يَرُدُّ بِهِ الْجَوَابَ وَ شَافِعٌ يَدْرِكُ بِهِ الْحَاجَةَ وَ وَاصِفٌ يَعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءَ وَ أَمِيرٌ يَأْمُرُ بِالْحَسَنِ وَ وَاعِظٌ يَنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ وَ مَعَزٌّ تُسَكِّنُ بِهِ الْأَحْزَانَ وَ حَاضِرٌ تُجَلِّي بِهِ الضَّغَائِنَ وَ مُوَبِّقٌ

تَلْتَدُ بِهِ الْأَسْمَاعُ؛^۱ ای مردم! ده خصلت در انسان وجود دارد که زبان آنها را آشکار می‌سازد؛ زبان گواهی است که از درون خبر می‌دهد؛ داوری است که به دعوای خاتمه می‌دهد؛ گویایی است که به وسیله آن به پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود؛ واسطه‌ای است که با آن، مشکلات برطرف می‌شود؛ وصف کننده‌ای است که با آن اشیا شناخته می‌شود؛ فرماندهی است که به نیکی فرمان می‌دهد؛ اندرزگویی است که از زشتی‌ها باز می‌دارد؛ تسلیت دهنده‌ای است که غم‌ها را تسکین می‌دهد؛ حاضری است که به وسیله آن کینه‌ها برطرف می‌شود؛ دلربایی است که گوش‌ها به وسیله آن لذت می‌برند».

آفت زبان

بسیار روشن است که هر نعمتی هر چه بزرگ‌تر و مهم‌تر باشد، خطر و آفت آن هم می‌تواند زیادتر باشد. همیشه در کنار کوه‌های بلند، دره‌های عمیق وجود دارد یا در کنار قدرت عظیم انرژی هسته‌ای که صدها کاربرد مانند تولید برق، صنعت، دارو و درمان دارد، امکان تولید بمب اتم نیز وجود دارد که می‌تواند شهرهای بزرگ را ویران کند و صدها هزار نفر را نابود سازد و از بین ببرد. زبان نیز در کنار آثار و برکاتش، آفات و خطراتی دارد که بسیار زیاد است. آفات زبان از همه اعضا و جوارح انسان زیادتر است. علمای علم اخلاق، مثل مرحوم فیض کاشانی در محجة البیضاء و غزالی در احیاء العلوم بخش مهمی را به آفات اللسان اختصاص داده‌اند. زبان همان‌گونه که منشأ حسنات فراوان است، عامل گناهان بیشماری نیز می‌باشد؛ گناهایی از قبیل دروغ، غیبت، تهمت، فحش، سخن‌چینی، شایعه، قسم دروغ، شهادت ناحق، استهزا، القاب بد به دیگران و ...

اهمیت گناهان زبان

قابل ذکر است که گناهان زبان به طور عمده گناهان کبیره و بزرگ است که علاوه بر وعده عذاب، پیامدهای مخرب و خطرناکی نیز دارد که برای نمونه برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

دروغ

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست، خلاف واقع و به معنای نقل گفتار از کسی است که آن

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۰.

را نگفته است. اصولاً در گفتار به کار می‌رود و تفاوتی ندارد که مربوط به گذشته باشد یا آینده.^۱ هم‌چنین در اصطلاح، اظهار امر خلاف واقع و سخن برخلاف حق و حقیقت را دروغ می‌گویند.^۲

در یک تقسیم‌بندی، دروغ را به جدی و هزل و شوخی می‌توان تقسیم کرد. از نظر اسلام دروغ شوخی، زمانی که انسان از گفتار خود قصد خبر دادن از واقع را نداشته باشد و قرینه‌ای هم بر شوخی کردن در کلامش نباشد، حرام است. در روایات متعددی از این نوع دروغ نهی شده است. زیرا انسان با دروغ شوخی برای دروغ‌های جدی آمادگی پیدا می‌کند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی به ابوذر می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ وَيْلٌ لِّلَّذِي يَحَدِّثُ وَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيَلُّ لَهُ وَيَلُّ لَهُ؛^۳ ای ابوذر! وای بر کسی که برای خندانندن مردم دروغ می‌گوید. وای بر او، وای بر او، وای بر او!»

هم‌چنین امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ؛^۴ دروغ، ویرانگر ایمان است.» در بزرگی و زشتی دروغ همین بس که خداوند، دروغ‌گور را در ردیف کافران و منکران آیات الهی شمرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ؛^۵ تنها کسانی دروغ می‌گویند که به خدا ایمان ندارند. [آری] اینان دروغ‌گویان واقعی هستند.»

داستانی درباره ترک دروغ

شخصی خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسلمان شد. سپس عرض کرد: یا رسول‌الله! مردم ما را به گناهان آشکارمان سرزنش می‌کنند، در حالی که من چهار گناه پنهان دارم؛ زنا، دزدی، شرابخواری و دروغ. الان آمادگی دارم با انتخاب شما یکی از این‌ها را ترک کنم.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: برو دروغ را ترک کن!

او از خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفت. طولی نکشید زمینه زنا برایش فراهم شد. با خود گفت: من به پیامبر قول دادم دروغ نگویم. اگر زنا کنم، وقتی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بروم، اگر از من سؤال کند از وقتی تصمیم گرفتی دروغ نگوئی آیا زنا کردی یا خیر؟

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۰، ص ۳۴.

۲. امین، محمد، *آفات زبان*، ص ۶۷.

۳. طبرسی، حسن، *مکارم الاخلاق*، ص ۴۷۰.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۳۹.

۵. نحل، آیه ۱۰۵.

پس اگر بگویم زنا نکردم، دروغ است. قرار شد دیگر دروغ نگویم. اگر بگویم زنا کردم، پیامبر ﷺ بر من حد جاری می‌کند، بنابراین از آن صرف‌نظر کرد. بعد زمینه دزدی برایش پیش آمد. همین فکر را کرد و دزدی نکرد. نسبت به شراب نیز همین طور. در نتیجه، با ترک دروغ، از همه گناهان فاصله گرفت.^۱

شهادت دروغ

شهادت دروغ، آفت دیگر زبان است که منشأ ناحقی‌ها، تضییع حقوق افراد و حتی گاهی موجب ریخته شدن خون افراد بی‌شماری می‌شود. این مسئله در تاریخ، شواهد بسیاری دارد. عایشه که در کنار طلحه و زبیر از آتش افروزان جنگ جمل بود. در مسیر حرکت به سوی بصره، در حالی که بر شتر پُرکرکی سوار بود، شب هنگام به چاه آبی که مربوط به بنی‌کلاب بود و به «حوثب» شهرت داشت، وارد شد. ناگهان سگ‌های زیادی شروع به پارس کردن نمودند. به گونه‌ای که شتران را به وحشت انداختند. عایشه از اسم آن سرزمین پرسید. گفتند: اینجا حوثب است. عایشه کلمه استرجاع را بر زبان جاری ساخت و گفت: مرا باز گردانید. مرا نیازی به این سفر نیست. زیرا از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: روزی یکی از شما زنان در حالی که بر شتر پُرکرکی سوار است، بر آب حوثب وارد می‌شود و سگ‌ها بر او پارس می‌کنند و خون افراد زیادی در اطراف وی به زمین خواهد ریخت. این‌جا ابتدا زبیر جلو آمد و به دروغ سوگند خورد که این سرزمین حوثب نیست. بعد طلحه نیز آمد و همان شهادت دروغ را تکرار کرد. سپس پنجاه نفر را پول دادند که آمدند و به دروغ شهادت دادند که اینجا حوثب نیست. و عایشه را بر ادامه راه و آتش افروزی جنگ مصمم ساختند؛ جنگی که سبب ریخته شدن خون افراد بی‌شماری گردید. مسعودی در مروج الذهب می‌گوید: این اولین شهادت دروغی بود که در بصره اقامه شد.^۲

غیبت

غیبت در لغت عبارت است از: سخن گفتن پشت سر دیگران به گونه‌ای که غیبت شوند و راضی و خشنود نباشد. خدای متعال از غیبت به خوردن گوشت برادر دینی، در حالی که مرده است،

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. هاشمی خونی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۶۸.

تعبیر نموده است. غیبت، علاوه بر گفتن عیوب و زشتی های افراد، نوعی ترور شخصیت است که از ترور شخص مهم تر است، زیرا وقتی شخصی ترور می شود، رشد می کند و در فرهنگ دینی، شهید قلمداد می شود و جایگاهش در میان مردم تقویت می شود، اما کسی که ترور شخصیت شد، سقوط می کند؛ از چشم مردم می افتد؛ جایگاهش را از دست می دهد و غیبت بزرگ ترین آسیب را بر ایمان غیبت کننده وارد می سازد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْغِيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكَلِ فِي جَوْفِهِ»^۱ آسیب غیبت بر دین انسان از آسیب خوره بر جسم او سریع تر است».

بهتان

متهم نمودن افراد به جرم هایی که مرتکب نشده اند را بهتان می گویند؛ اگر نسبت دهنده، به دروغ بودن آن اطمینان داشته باشد، بهتان است و چنانچه اطمینان نداشته باشد، تهمت است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَفَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ»^۲ کسی که به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند یا چیزی در مورد او بگوید که در او نیست، خدای عزوجل، او را بر تلی از آتش نگه می دارد تا از عهده گفته خود برآید. این زبان است که انسان را به چنین سرنوشتی دچار می سازد».

ناسزاگویی و دشنام

آفت دیگر زبان، ناسزاگویی و دشنام است. به کار بردن الفاظ رکیک، واژه های زشت و کلمات مستهجن و قبیح را فحش و ناسزا می گویند. در مکتب اسلام، هر گونه ناسزاگویی ممنوع است؛ حتی به کافران نباید دشنام داد. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۳ [به معبود] کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها [نیز] از روی [ظلم و] جهل، خدا را دشنام دهند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه الإمام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۴۹.

۳. انعام، آیه ۱۰۸.

مجلس یازدهم: آفات زبان ■ ۱۲۷

ناسزاگویی به اندازه‌ای زشت خوانده شده است که حتی به شیطان هم نباید دشنام داد. رسول خدا ﷺ فرمود: «**لَا تَسُبُّوا الشَّيْطَانَ وَتَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ**»^۱ به شیطان هم دشنام ندهید؛ بلکه از شر او به خدا پناه ببرید.»

گناه فحش به اندازه‌ای بزرگ است که صاحب آن به بهشت راه پیدا نخواهد کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيٍّ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ**»^۲ خداوند بهشت را بر هر فحاش ناسزاگویی که حیایش کم باشد و اهمیت ندهد که چه می‌گوید و چه درباره‌اش می‌گویند حرام کرده است.»

امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ صفین، برخی از یارانش را که به سپاه و یاران معاویه دشنام داده بودند، نهی کرد و فرمود: دوست ندارم شما دشنام دهنده باشید. شما تنها عیوب و اشکالات آن‌ها را بیان کنید. این کار، سزاوارتر است.^۳

نکته مهم و قابل توجه این است که بسیاری از گناهان زبان جنبه حق الناس دارد و تا طرف مقابل راضی نشود، خداوند از انسان نمی‌گذرد.

آفات زبان به اموری که ذکر شد منحصر نیست، و بلکه بسیار فراتر از آن موارد است که برای رعایت اختصار به همین چند مورد بسنده می‌شود.

فراوانی آفات و خطرهای زبان

یکی از سؤالاتی که همواره به ذهن می‌آید این است که چرا در میان همه جوارح، آفات زبان از همه بیش‌تر است؟

در پاسخ باید گفت: زبان، ابزاری است که در هر زمان و هر مکانی در اختیار انسان است، در حالی که ابزار قمار، شراب، زنا، قتل و... همه‌جا در اختیار نیست، هم‌چنین زبان برای کار خودش هیچ‌گونه هزینه‌ای لازم ندارد و سرمایه‌ای نمی‌خواهد، در حالی که خوردن شراب، استعمال مواد مخدر، رباخواری و... نیازمند سرمایه است.

زبان، ابزار گناهی است که در اختیار همه افراد است؛ کوچک و بزرگ، زن و مرد، فقیر و غنی، عالم و عامی، شهری و روستایی و... در حالی که ابزار بسیاری از گناهان در اختیار همه نیست؛

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۶۶۹.

۲. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۹۵۶.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۳۲۳.

ظلم کردن، قدرت لازم دارد، رباخواری، پول می‌خواهد و ... که همه قدرت و توانایی آن را ندارند.

اصولاً گناه زبان، کوچک شمرده می‌شود، و این خود خطر بزرگی است. زیرا زشتی و بزرگی گناه، خود، سدّی برای انسان است؛ هر مقدار، که گناه زشت‌تر و بزرگ‌تر شمرده شود، انسان کم‌تر به سراغ آن می‌رود، ولی اگر گناه کوچک شمرده شود، ارتکاب آن قبحی نخواهد داشت. در نتیجه، انسان آن را زیاد مرتکب می‌شود و کوله بار خود را سنگین می‌سازد.

شراب‌خواری، زنا، قتل نفس و ... گناهانی است که چون بزرگ شمرده می‌شوند، مؤمنین کم‌تر آن‌ها را مرتکب می‌شوند، اما غیبت که از گناهان زبان است، همه مرتکب می‌شوند؛ با این که در روایت است: «**الْغِيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّوْنِ**»^۱ گناه غیبت از زنا شدیدتر است.

شراب‌خواری، چون بزرگ شمرده می‌شود، کم‌تر کسی مرتکب می‌شود، ولی دروغ، چون کوچک به حساب می‌آید، بسیار رایج است، در حالی که در روایت است: «**الْكَذِبُ شَرُّ مِنَ الشَّرَابِ**»^۲ دروغ، بدتر از شراب است.

گناهانی که از دیگر اعضا و جوارح صادر می‌شود، بسیار محدود است، اما گناهان زبان، متعدد و متنوع است. برخی علمای بزرگ، مثل مرحوم فیض کاشانی، بیست گناه کبیره برای زبان ذکر کرده‌اند.^۳

گناهانی که از زبان صادر می‌شود اغلب جنبه اجتماعی دارد، ولی گناهان دیگر اعضا جنبه فردی دارد. بر این اساس است که آفت زبان بسیار است و آن‌ها را باید شناخت و مراقب بود.

هشدار معصومین علیهم‌السلام نسبت به خطر زبان

از آنجا که آفات و خطرهای زبان فراوان و گوناگون است، پیشوایان دین و حضرات معصومین علیهم‌السلام مرتب نسبت به آن هشدار داده و ما را از آن برحذر داشته‌اند، که برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. رسول خدا فرمود: «**أَمْسِكْ لِسَانَكَ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ ثُمَّ قَالَ وَلَا يَعْرِفُ**

۱. شیخ صدوق، *خصال*، ج ۱، ص ۶۳.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. فیض کاشانی، محمد محسن، *محجة البيضاء*، ج ۵، ص ۲۸۷ - ۱۹۸.

عَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ؛^۱ زبانت را حفظ کن، زیرا (حفظ زبان) صدقه‌ای است که تو بر جان خود پرداخت می‌کنی، و بنده، حقیقت ایمان را درک نمی‌کند، مگر این که زبان خود را حفظ نماید».

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ؛^۲ هیچ کس از گناهان مصون نمی‌ماند، مگر این که زبان خویش را کنترل نماید».

۳. پیامبر فرمود: «انْتَ قَبْلَ أَنْ يُطِيلَ حَبْسَكَ وَيُزِدِيَ نَفْسَكَ، فَلَا شَيْءَ أَوْلَى بِطُولِ سِجْنٍ مِنْ لِسَانٍ بَعْدَ عَنِ الصَّوَابِ وَيَتَسَرَّعُ إِلَى الْجَوَابِ؛^۳ پیش از آن که زبانت تو را به زندان طولانی و هلاکت در افکند، او را زندانی کن، زیرا هیچ چیز به اندازه زبانی که از جاده صواب منحرف می‌شود و به جواب دادن می‌شتابد، سزاوار زندانی شدن طولانی نیست».

۴. پیامبر فرمود: «يُعَذِّبُ اللَّهُ اللِّسَانَ بِعَذَابٍ لَا يُعَذِّبُ بِهِ شَيْئًا مِنَ الْجَوَارِحِ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ عَذَّبْتَنِي بِعَذَابٍ...؛^۴ [روز قیامت] خداوند زبان را به عذابی معذب می‌کند که هیچ عضوی را آن طور عذاب نمی‌کند. دادِ زبان در می‌آید؛ خدایا، چرا مرا این گونه عذاب می‌کنی؟ جواب داده می‌شود: برای این که کلمه‌ای از تو خارج شد که شرق و غرب عالم را گرفت. خون‌های بی‌گناه زیادی با این جمله بر زمین ریخته شد، اموال مردم به غارت رفت، حرمت مردم به وسیله این کلام تو هتک گردید و از بین رفت. به عزت‌م سوگند، تو را آن گونه عذاب می‌کنم که هیچ عضوی را آن گونه عذاب نکنم.»

۵. ابوحمزه از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ، فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا، وَيَقُولُونَ: اللَّهُ اللَّهُ فِينَا، وَيُنَاشِدُونَهُ وَيَقُولُونَ: إِنَّمَا تُثَابُ وَنُعَاقِبُ بِكَ؛^۵ زبان اولاد آدم هر روز صبح از اعضاء و جوارح انسان سؤال می‌کند: چگونه صبح کردید؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند: اگر تو ما را رها کنی، ما

۱. طبرسی، علی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۷۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۸.

۳. لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۱.

۴. مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۸، ص ۲۲۲.

۵. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۷.

خوب هستیم. آن گاه او را قسم می دهند و می گویند: خدا را در مورد ما در نظر داشته باش. زیرا ما به خاطر توبه ثواب و عقاب می رسیم.»

آفت زدایی از زبان

اکنون باید به این موضوع بپردازیم که: چگونه باید زبان را از آفات برحذر داشت؟ راه های گوناگونی برای مصون ماندن زبان از آفات وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. مدیریت زبان

می دانیم که زبان مانند بسیاری از ابزار دیگر، هم دارای استفاده صحیح است و هم استفاده ناصحیح؛ هم در خیر صرف می شود و هم در شر، هم در ثواب کارایی دارد و هم در گناه. بنابراین باید زبان را مدیریت نمود. در روایتی از حضرت باقر علیه السلام می خوانیم که فرمود: «إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ فَيَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ...^۱ به راستی که این زبان کلید همه خوبی ها و بدی هاست. شایسته است که مؤمن زبان خود را مهر کند، همان گونه که بر (صندوق) طلا و نقره خود قفل می زند.»

۲. کم گویی و سکوت

از جمله راه های دفع آفت از زبان، کم تر سخن گفتن و سکوت کردن است. سخن وقتی زیاد شد، خطا و لغزش هم خواهد داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَ أَخْزَنُ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّكَ بِذَلِكَ تَغْلِبُ الشَّيْطَانَ»^۲ زبان را بر خیر نگه دار، هر آینه تو با این کار بر شیطان پیروز خواهی شد.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ»^۳ هیچ کس از گناه مصون نمی ماند، مگر این که زبانش را کنترل نماید.»

پشیمان ز گفتار دیدم بسی
پشیمان نگشت از خموشی کسی

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۹۸.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۵.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۸.

۳. اول تفکر، بعد سخن گفتن

از عواملی که زبان را از آفت حفظ می‌کند این است که انسان، قبل از سخن، فکر کند؛ تا اگر لزومی دارد و مفسده و گناهی ندارد، بگوید و گرنه آن را ترک نماید. علی علیه السلام می‌فرماید: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ»^۱ زبان انسان عاقل، پشت سر قلب و اندیشه است، در حالی که اندیشه و قلب احمق و نادان، پشت زبان اوست؛ یعنی عاقل اول فکر می‌کند، بعد سخن می‌گوید، ولی نادان اول سخن می‌گوید، بعد فکر می‌کند که آیا درست بود یا نبود؟

۴. اندیشه در عواقب کار

عامل دیگر دفع آفت زبان، اندیشه در نتیجه کار زبان است. اگر انسان عاقبت امر را توجه کند و اثر زبان بار بعضی سخنان را محاسبه کند، هر حرفی را نمی‌زند و هر سخنی را نمی‌گوید. هنگامی که رسول خدا برخی آفات زبان را بیان فرمودند، معاذبن جبل از رسول اکرم پرسید: «یا در مورد کلام و سخن هم مؤاخذه می‌شویم؟» حضرت فرمود: «وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلَيَّ مَنَآخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ...»^۲ آیا چیزی جز محصول زبان، انسان را بارودر آتش می‌اندازد؟ اگر انسان این پیامد و نتیجه را از اول در اندیشه خود بیاورد، مراقب زبان خویش خواهد بود.

ای زبان تو بس زیانی مرا

چون تویی گویا، چه گویم من تورا

ای زبان هم آتش و هم خرمنی

چند این آتش در این خرمن زنی

در نهان، جان از تو افغان می‌کند

گرچه هر چه گوش اش آن می‌کند

ای زبان هم گنج بی‌پایان تویی

ای زبان هم رنج بی‌درمان تویی (مولانا)

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۸.